

انگلیسیسم در فرانسه از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان

فیروزه اصغری^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۱

چکیده

دو زبان فرانسوی و انگلیسی همواره و در طول تاریخ خود روابط بسیار نزدیکی داشته‌اند. هنگامی که کشور فرانسه از تفوق فرهنگی، سیاسی، و نظامی برخوردار بود، عناصر بسیاری از زبان فرانسوی وارد زبان انگلیسی شد، اما پس از افول قدرت فرانسه و برآمدن هژمونی همه‌جانبه امریکا این رابطه بالعکس شد و اکنون این زبان انگلیسی‌ست که نقش فرادست و قرض‌دهنده را ایفا می‌کند. هدف این مطالعه بررسی پدیده انگلیسیسم در فرانسه امروز است. این مقاله ضمن معرفی، توصیف و تبیین پدیده انگلیسیسم، علل و عوامل گسترش روزافزون این پدیده را در زبان فرانسوی مورد توجه قرار داده است. سپس به واکنش‌ها و اقدامات انجام شده در خصوص جلوگیری از رواج آن در فرانسه پرداخته و در پایان نتایج حاصل از مطالعه بیان شده است. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده است. نخست داده‌های لازم با استفاده از منابع مکتوب، مجازی، رسانه‌های جمعی، و سایت‌های معتبر استخراج شده و سپس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در قرض‌گیری زبان فرانسوی از انگلیسی، علاوه بر دلایل درون‌زبانی مانند ورود واژگان جدید علمی، عوامل برون‌زبانی مانند جذابیت، وجهه، و اعتبار زبان انگلیسی از یک سو، و نفوذ فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر، در استفاده روزافزون فرانسوی‌ها از واژگان و اصطلاحات زبان انگلیسی نقش پررنگ‌تری دارد. در واقع نگرانی‌های موجود در جامعه امروز فرانسه، که به انجام اقداماتی برای جلوگیری از شیوع و گسترش پدیده انگلیسیسم منجر شده است، نه به دلیل مخالفت با پدیده معمول قرض‌گیری زبانی، بلکه به دلیل ترس از نفوذ فرهنگ امریکایی و گسترش هژمونی فرهنگی این کشور بر جامعه فرانسه است. **کلیدواژه:** جامعه‌شناسی زبان، قرض‌گیری، انگلیسیسم، زبان فرانسوی، زبان انگلیسی، هژمونی فرهنگی

موضوع اصلی این مقاله بررسی پدیده انگلیسیسم از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان است. در زبان‌شناسی معاصر دو رویکرد عمده به زبان وجود دارد. یکی زبان را پدیده‌ای ژنتیکی - فردی می‌داند، که نوام چامسکی (سردمدار این رویکرد) از آن با عنوان زبان درونی شده^۱ یاد می‌کند. از این دیدگاه زبان‌شناسی زیر مجموعه مطالعات روان‌شناختی به ویژه روانشناسی شناختی محسوب می‌شود. اما رویکرد دیگر زبان را به عنوان یک نهاد اجتماعی فرض می‌کند که اصطلاحاً به رویکرد زبانی بیرونی شده^۲ مشهور است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۲۲).

از نظر فردینان دو سوسور^۳، بنیان‌گذار زبان‌شناسی نوین، اجتماعی بودن زبان واقعیتی آشکار است و مطالعه زبان به همان شکلی که در جامعه به کار می‌رود یکی از مهم‌ترین اهداف زبان‌شناسی است. در واقع با تعریفی که او از زبان ارائه کرد جنبه فردی زبان (گفتار)^۴ از جنبه اجتماعی آن (زبان)^۵ جدا شد. در فرانسه نیز آنتوان میه^۶، با تأکید بر وجه اجتماعی زبان، مکتب زبان‌شناسی اجتماعی را در پاریس پایه‌گذاری کرد. شاگردش مارتینه^۷ نیز زبان را به منزله نهادی اجتماعی در نظر گرفت و برخورد زبان‌ها و تأثیر و تأثر متقابل آنها را نتیجه برخوردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جوامع با یکدیگر دانست (له فبو، ۱۹۹۶). در امریکا نیز زبان‌شناس برجسته‌ای مانند ویلیام لباو^۸ با مطرح کردن موضوعاتی مانند زبان و فرهنگ دامنه قلمرو زبان‌شناسی اجتماعی را وسعت بخشید. رابطه زبان و جامعه در شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی با عنوان جامعه‌شناسی زبان مورد بحث قرار می‌گیرد. مطالعات جامعه‌شناختی زبان جنبه‌های گوناگونی دارد که یکی از اصلی‌ترین مباحث آن برخورد زبان‌هاست. برخورد زبان‌ها نیز جنبه‌های متعددی دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به پدیده قرض‌گیری زبانی اشاره کرد. «اجتماعات انسانی به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی، اقتصادی، و جغرافیایی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و در این حین از نظر زبانی نیز با یکدیگر برخورد می‌کنند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند که از نتایج این برخوردهای زبانی پدیده‌های متفاوتی با رنگ و بوی



1. internalized language
2. externalized language
3. Ferdinand de Saussure
4. parole/speech
5. langue/language
6. Antoine Meillet
7. Andre Martinet
8. William Labov

اجتماعی چون قرض‌گیری زبانی، تداخل زبانی، و... به وجود می‌آید» (مدرسی، ۱۳۸۷). زبان‌ها همواره از زمان پیدایش در بده بستان بوده‌اند. قرض‌گیری زبانی در تمام زبان‌ها طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. از نظر جامعه‌شناسان زبان معمولی‌ترین حالت برخورد دو زبان رد و بدل شدن عناصر زبانی میان دو زبان است که به آن قرض‌گیری زبانی می‌گویند (همان). در واقع زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی و مهم‌ترین وسیله ارتباطی در جوامع انسانی، که متأثر از تغییرات اجتماعی و توسعه فناوری‌ست، لاجرم نیازمند واژگان و اصطلاحات جدیدی‌ست که به وسیله آنها به نوآوری‌ها و محصولات جدید هویت ببخشد. ورود واژگان قرضی به زبان، همان‌گونه که صفوی (۱۳۷۴، ۱۰۰) به نقل از واین‌رایش^۱ به آن اشاره می‌کند، می‌تواند ناشی از عوامل درون‌زبانی یا برون‌زبانی باشد. عوامل درون‌زبانی متأثر از ویژگی خود زبان مقصد است که در مواردی مجبور به قرض‌گیری از یک زبان دیگر می‌شود. اما عوامل برون‌زبانی به ویژگی زبان قرض‌گیرنده مربوط نیست، بلکه با شرایطی مرتبط است که در بیرون از نظام زبان قرض‌گیرنده وجود دارد و در اصل به رابطه میان جوامع زبانی مربوط است. عواملی مانند نفوذ سیاسی - نظامی، نفوذ فرهنگی - اجتماعی، و تابوی زبانی. از نظر باطنی نیز موضوع قرض دادن و قرض گرفتن واژه، در درجه اول یک مسئله اقتصادی - اجتماعی‌ست و انعکاس نفوذ فرهنگی‌ست که به صورت واژه‌های قرضی در زبان ظاهر می‌شود. بنابراین مسئله واژه‌های قرضی را نباید به عنوان یک مسئله زبانی صرف تلقی کرد، بلکه باید در چارچوب وسیع‌تر نفوذ فرهنگی جامعه‌ای در جامعه دیگر مورد مطالعه قرار داد (باطنی، ۱۳۷۳).

در خصوص قرض‌گیری درون‌زبانی همواره نظرات بسیار شفافی بیان شده است. تعدادی از متخصصان زبان آن را امری طبیعی، گریزناپذیر، و وسیله‌ای برای غنی‌سازی زبان می‌دانند و زبان قرض‌گیرنده را زبانی زایا تلقی می‌کنند. با این حال افرادی دیگر قرض‌گیری از زبان‌های دیگر را تهدیدی برای زبان مقصد می‌دانند و همواره در تلاش برای پالایش زبان قرض‌گیرنده از واژگان بیگانه هستند. اما این واکنش‌ها در خصوص انگلیسیسم اندکی متفاوت است. حتی آنان که از موافقان پدیده قرض‌گیری هستند و آن را پدیده‌ای عادی و معمول می‌پندارند، در مورد پدیده انگلیسیسم با احتیاط بیشتری سخن می‌گویند. زیرا به عقیده آنها این پدیده نه یک قرض‌گیری معمول زبانی، بلکه نشانه رخنه و نفوذ افراطی زبان انگلیسی در زندگی روزمره مردم زبان مقصد است که به تعبیری پیامد یک قرض‌گیری فرهنگی در حال وقوع است، یا به تعبیری دیگر، به یک قرض‌گیری فرهنگی تمام عیار در آینده‌ای نه چندان دور منجر خواهد شد.





در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم چیزی در حدود هفت هزار زبان در قالب جغرافیایی نزدیک به ۱۹۰ کشور وجود دارد. این یعنی به طور میانگین در هر کشور بین ۲۰ تا ۲۴ زبان برای تکلم وجود دارد. اما در اصل بعضی از این زبان‌ها گویش‌وران بسیار اندکی دارند. البته از طرف دیگر بعضی از زبان‌ها نیز (مانند زبان انگلیسی) با عبور از محدوده مرزهای ملی، به زبانی جهانی تبدیل شده‌اند. در واقع امروزه زبان انگلیسی در بسیاری از کشورها رسماً به زبان دوم تبدیل شده است و تقریباً در اکثر کشورها نیز به عنوان زبان میانجی در روابط اجتماعی، مبادلات تجاری، و گردشگری در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طوریکه بسیاری از مردم دنیا ترجیح می‌دهند برای برقراری ارتباط در حوزه‌های مختلف از این زبان میانجی استفاده کنند. خلق کلمات و ظهور اصطلاحاتی مانند *denglish*, *japlish*, *hinglish*, *spanglish*، و... (به ترتیب برای زبان‌های هندی، ژاپنی، آلمانی، و اسپانیایی) نشان از تأثیر شگرف زبان انگلیسی بر زبان‌های دیگر و آمیختگی این زبان با دیگر زبان‌ها دارد. بی‌شک زبان فرانسوی نیز از این تأثیرگذاری مستثنی نیست. چنان‌که در کشور فرانسه در بسیاری از مکالمات روزمره، سخنرانی‌ها، موضوعات تخصصی در حوزه علم و فناوری، تجارت، موسیقی، و حتی رسانه‌های رسمی، به وفور از واژگان انگلیسی استفاده می‌شود. این در حالی است که بسیاری از این واژگان و اصطلاحاتی که در محاوره روزانه توسط سخنگویان فرانسوی، خصوصاً جوانان، به کار می‌رود، معادل‌های بسیار مناسب و دقیقی در زبان فرانسوی دارند که می‌تواند به راحتی آنها را از کاربرد معادل انگلیسی بی‌نیاز کند. این قرض‌گیری گسترده از زبان انگلیسی، که امروزه با عنوان انگلیسیسم از آن یاد می‌شود، به نگرانی جدی فرانسویانی منجر شده است که با شیوع این پدیده مخالفند و آن را تهدیدی جدی برای هویت ملی، فرهنگ، و زبان فرانسه می‌دانند.

هدف اصلی مقاله حاضر مطالعه پدیده انگلیسیسم در زبان فرانسوی است؛ زبانی که در دوره‌ای خود زبان برتر جهانی بوده است و حتی تا دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما به زبانی معروف بوده است که گویش‌ورانش از روی تعصب، حتی در اجتماعات بین‌المللی هم، از صحبت کردن به زبان انگلیسی امتناع می‌ورزند. تجربه زیسته در این کشور و مشاهده واقعیتی غیر از آنچه تصور می‌شد، نگارنده را بر آن داشت تا این پدیده زبانی و فرهنگی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در مطالعه حاضر سعی بر آن است که به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. شیوع و گستردگی پدیده انگلیسیسم در ساخت‌های مختلف زبان فرانسوی چگونه است؟

۲. واکنش دولت و نهادهای متولی زبان (مانند آکادمی زبان فرانسه) در قبال این پدیده

جامعه‌شناختی چیست؟

۳. چه رابطه‌ای بین پدیده قرض‌گیری زبانی و قرض‌گیری فرهنگی مشاهده می‌شود؟

در ایران مطالعات بسیاری درباره پدیده قرض‌گیری زبانی، قرض‌گیری واژگانی، و قرض‌گیری در زبان‌های مختلف (مانند فارسی، فرانسوی، آلمانی و...) انجام شده است. اما جستجوی مطالعه یا مقاله‌ای که به طور خاص پدیده انگلیسیسم را در زبان فرانسوی از دو منظر زبانی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده باشد، حاصلی در پی نداشت. از این لحاظ مطالعه حاضر، منهای بخش نظری که بر اساس مطالعات پیشین انجام شده است، حاصل تجربیات عینی محقق به عنوان مشاهده‌گر خارجی از وضعیت پدیده انگلیسیسم در جامعه امروز فرانسه است.

محققان خارجی نیز در کشورهای فرانسه و کانادا مطالعات قابل توجهی در خصوص پدیده انگلیسیسم انجام داده‌اند، از جمله: (کالپرو، ۱۹۷۰-۱۹۸۲)، (کوربی، ۱۹۷۰)، (ژیرو، ۱۹۷۱)، (لورن، ۱۹۷۵)، (داربنه، ۱۹۸۳)، (پرنیه، ۱۹۸۹)، (والتر و والتر، ۱۹۹۸)، (تورنیه، ۱۹۹۸)، (فوره و بودریو، ۱۹۹۹)، (سدهوفر، ۲۰۰۱)، (لاروش کله، ۲۰۰۴)، (گورلاخ، ۲۰۰۵)، (اندرمن و راجر، ۲۰۰۵)، (فوره، ۲۰۰۶)، (بوگارد، ۲۰۰۸). اغلب مطالعات صرفاً از جنبه زبانی به موضوع پرداخته‌اند، و تنها بعضی به جنبه‌های غیرزبانی هم توجه کرده‌اند و گروهی نیز به شدت به آن تاخته‌اند.

این مطالعه ضمن آشنا کردن جامعه علمی ایران (اعم از متخصصان حوزه زبان و مطالعات فرهنگی) با پدیده انگلیسیسم در فرانسه امروز و فراهم کردن امکان انجام مطالعات تطبیقی دیگر، می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای اتخاذ تصمیمات مناسب در مواجهه با شیوع این پدیده در ایران کمک کند.

در این مقاله پس از مرور سیر تاریخی برخورد زبان فرانسوی و زبان انگلیسی، و اشاره به تأثیرات زبان انگلیسی بر دیگر زبان‌ها از جمله زبان فرانسه، روند تبدیل آن به یک زبان بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سپس ضمن بررسی و توصیف پدیده انگلیسیسم در زبان فرانسوی و اشکال گوناگون آن، به ارتباط زبان و فرهنگ از دیدگاه زبان‌شناسی اشاره شده است. در پایان نیز ضمن اشاره به واکنش‌ها و اقدامات انجام شده در خصوص جلوگیری از رواج این پدیده، نتایج مطالعه ارائه می‌شود.

سیر تاریخی برخورد دو زبان فرانسوی و انگلیسی

تقریباً از اواسط قرن هفدهم تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، کشور فرانسه از نظر فرهنگی و سیاسی بر ملل دیگر اروپا برتری داشت و این تفوق فرهنگی - سیاسی، موجب رواج و رونق بین‌المللی



زبان فرانسوی شده بود (هال، ۱۳۷۳: ۲۴۰)، به طوری که حتی به عنوان زبان ارتباطی در دربار پادشاهان انگلستان و روسیه به کار گرفته می‌شد. زبان فرانسوی در این دوره زبانی حامل عناصر فرهنگی قوی و توان ارتباطی بالا بود (بوگارد، ۲۰۰۸: ۱۳۹). این زبان همچنین زبان علم، فلسفه، تجارت، پزشکی، و زبان نویسندگان دربار شاهان، و آزادی‌خواهان انقلابی بود (والتر و والتر، ۱۹۹۸: ۲۲۸). متون آلمانی در قرن هفدهم (دوره لویی چهاردهم) با تأسیس فرهنگستان فرانسه چنان متأثر از زبان فرانسوی بود که گرایش امروزی آلمانی‌ها به انگلیسی در قیاس با آن ناچیز به نظر می‌آید. اما وقوع دو جنگ جهانی اوضاع را تغییر داد. در قرن بیستم، پس از جنگ جهانی اول و دوم، با تفوق سیاسی، اقتصادی، علمی، و نظامی امریکا، اندک اندک رابطه زبان فرانسه و انگلیسی وارونه شد و منزلت و جایگاه برتر زبان انگلیسی سبب شد زبان فرانسوی برخی جایگاه‌ها و حوزه‌های کاربردی خود را از دست بدهد. زبانی که در دوران استیلای نورمن‌ها تا حد زیادی بر زبان انگلیسی تأثیر گذاشته بود، امروز به چنان سرنوشتی دچار شده است که استفاده از واژگان انگلیسی اسباب کسب وجهه و اعتبار برای آن شده است (تورنیر، ۱۹۹۸: ۵).

فرانسویان هیچ‌گاه علاقه‌مند نبودند که زبان انگلیسی جایگاه برابری با زبان فرانسه در سطح اروپا داشته باشد. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، این بود که زبان انگلیسی به زبان کار برای مکالمات روزانه و مکاتبات تجاری و سیاسی در سراسر اروپا تبدیل شد. آنچه در منشور اتحادیه اروپا درباره برابری زبان‌ها آمده بود، در عمل کاربرد چند زبان پرگوینده‌تر و معتبرتر (فرانسوی، آلمانی و انگلیسی) را ارتقا داد و یکی از آنها (انگلیسی) را به زبان غالب تبدیل کرد، که به نظر می‌رسد در آینده تنها زبان میانجی و مشترک اتحادیه اروپا شود (مدرسی، ۱۳۸۸: ۹). در واقع جابجایی قدرت سیاسی - فرهنگی در سطح جهانی در مورد فرانسه و کشورهای انگلیسی‌زبان (خصوصاً امریکا)، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، باعث جابجایی جایگاه و منزلت بین‌المللی این دو زبان شده است که پیامد آن به صورت فرایند قرض‌گیری در زبان فرانسه متبلور شده است.

براساس پژوهش‌های انجام شده، حداقل چیزی حدود ۱۳ درصد (معادل ۴۲۰۰ کلمه یا مدخل) از واژگان اصلی زبان فرانسه منشأ خارجی دارند که از این میزان، ۱۰۵۴ کلمه از زبان انگلیسی وارد شده است. سهم زبان‌های دیگر نیز در جدول شماره ۱ قابل توجه است (والتر و والتر، ۱۹۹۸).



جدول ۱: فراوانی کلمات وارد شده از زبان‌های مختلف در زبان فرانسوی

ردیف	زبان مبدأ	کلمات وارد شده در زبان فرانسوی
۱	انگلیسی	۱۰۵۴
۲	ایتالیایی	۷۰۷
۳	آلمانی کهن	۵۰۵
۴	زبان‌های کهن گالو رومن	۴۸۱
۵	عربی	۲۱۵
۶	آلمانی معاصر	۱۶۴
۷	زبان سلتی کهن	۱۶۰
۸	اسپانیولی	۱۵۹
۹	هلندی	۱۵۳
۱۰	فارسی و سانسکریت	۱۱۲
۱۱	زبان‌های سرخپوستی	۱۰۱
۱۲	چینی، تبتی، و ژاپنی	۸۹
۱۳	زبان‌های افریقایی - آسیایی	۵۶
۱۴	زبان‌های اسلاوی - بالتی	۵۵
۱۵	سایر زبان‌ها: از قبیل مالایی، پولنزی، و کنگویی	۱۴۴



مطالعه کلر (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که زبان فرانسوی با نفوذ زبان انگلیسی مورد تهدید قرار گرفته است. او در کتاب فرهنگ لغات زبان فرانسه، فهرست واژگانی را جمع‌آوری کرده است که باید جایگزین واژگان انگلیسی شود. به عقیده او عناصر یک زبان می‌تواند جایگزین عناصری از زبان دیگر شود، اما نه به صورت افراطی و بیش از اندازه. از نظر او ورود جنبه‌هایی از زبان انگلیسی در زبان فرانسوی پذیرفتنی است، اما نه همه آنها. پرنیه (۱۹۸۹: ۱۱) نیز پیش‌بینی می‌کند که حاکمیت زبان انگلیسی بر زبان‌های دیگر پدیده‌ای رو به رشد است که به اشباع زبان‌های مقصد از واژگان انگلیسی منجر خواهد شد. به عقیده او ساختار چنین

زبان‌هایی آن‌چنان با زبان انگلیسی عجین خواهد شد که بی‌ثباتی و مخاطرات جدی را برای زبان قرض‌گیرنده در پی خواهد داشت.

روند تبدیل زبان انگلیسی به زبانی بین‌المللی

هر زبانی تنها با اتکا به یک نیروست که می‌تواند به زبانی بین‌المللی تبدیل شود، و آن چیزی نیست جز نیروی مردمی که به آن زبان سخن می‌گویند: قدرت سیاسی - نظامی، توان فناوری و نفوذ فرهنگی (کریستال، ۱۳۸۴: ۲۲). لاتین و فرانسوی هر دو از زبان‌هایی بوده‌اند که دقیقاً به همین دلیل در گذشته به عنوان زبان میانجی مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ نقشی که امروزه به زبان انگلیسی واگذار شده است. مشکوه‌الدینی (۱۳۵۵) ضمن ارائه تعریفی از زبان میانجی (که برای ارتباطات فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی به کار می‌رود)، اضافه می‌کند که هر زبانی می‌تواند در برهه‌ای از زمان به زبان میانجی تبدیل شود؛ همان‌گونه که زمانی در مغرب‌زمین، زبان‌های لاتین، یونانی، و فرانسوی زبان میانجی بودند و در نواحی گسترده کشورهای مسلمان، زبان عربی به عنوان زبان میانجی سیاست، آموزش، و فرهنگ به کار می‌رفت. سدل‌هوفر^۱ (۲۰۰۱: ۱۳۳) در آغاز قرن بیست و یکم میلادی، زبان انگلیسی را زبانی جهانی قلمداد کرد که به عنوان زبان میانجی در سطح جهان عمل می‌کند. او این تأثیر را ناشی از دو عامل اصلی، قدرت استعماری بریتانیا و افزایش قدرت سیاسی - اقتصادی - فرهنگی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، می‌داند. آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم، قدرت زیادی در سطح نظامی و سیاسی کسب کرد. اروپا در طول این جنگ به ویرانه‌ای تبدیل شد، در حالی که آمریکا به دستاوردهای فنی بالایی رسید (بوگارد، ۲۰۰۸: ۱۲). به علاوه در این دوران محصولات آمریکایی به زندگی بسیاری از مردم سراسر جهان راه یافته بود. سقوط دیوار برلین نیز عامل مؤثر دیگری در تقویت جایگاه زبان انگلیسی در اروپا شد؛ اروپایی که به واسطه رابطه نزدیک با آمریکا تمایل زیادی به رواج این زبان داشت (گورلاخ^۲، ۲۰۰۳: ۱۱۷).

زبان انگلیسی در این سال‌ها به سرعت در کشورهای دنیا، به ویژه در اروپای ضعیف پس از جنگ، به زبان ارتباط، تجارت، گردشگری، رسانه، ورزش، علم و فناوری، و حتی گفتگوهای روزمره تبدیل شد (سی‌نز و جسنر^۳، ۲۰۰۰: ۵). این روند یادآور پیش‌بینی جان آدامز، رئیس



1. Seidlhofer
2. Görlach
3. Cenoz& Jessner

جمهور آمریکا در ۲۰۰ سال پیش است: «بی شک در قرون آتی زبان انگلیسی، بیش از آنچه زبان فرانسوی جنبه جهانی دارد، تبدیل به زبانی بین‌المللی خواهد شد» (کریستال، ۱۳۸۵: ۱۷). در واقع امروزه تعداد افرادی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم به کار می‌برند، با تعداد افرادی که انگلیسی زبان مادری آنهاست برابری می‌کند؛ یعنی رقمی در حدود ۴۰۰ میلیون نفر (کریستال، ۱۳۸۵: ۱۹). طبق برآورد تقریبی علاوه بر ۸۰۰ میلیون نفری که زبان اول یا دومشان انگلیسی است، ۶۰۰ میلیون نفر نیز انگلیسی را به عنوان زبان خارجی آموخته‌اند. حاصل جمع سه گروه یاد شده چیزی در حدود ۱/۴ میلیارد نفر خواهد شد. این رقم حدود یک چهارم از کل جمعیت جهان را در بر می‌گیرد (کریستال، ۱۳۸۵: ۲۰). با وجود این اروپایی‌ها (و مطمئناً بقیه کشورهای جهان) همچنان نمی‌خواهند که زبان انگلیسی جایگزین زبان مادریشان شود. از نظر آنها قرض‌گیری زبانی تا اندازه‌ای قابل قبول است، اما هر زبانی باید مقدمات حفاظت از زبان خود را فراهم کند (اندرمن و راجر، ۲۰۰۵: ۹).



انگلیسیسم و انواع آن در زبان فرانسوی

انگلیسیسم اشاره به واژه یا اصطلاحی دارد که از زبان انگلیسی قرض گرفته شود (فورست و بودریو، ۱۹۹۹: هفت) پتی روبر، فرهنگ معروف فرانسه (۲۰۰۱) و فرهنگ لغات آکسفورد نیز انگلیسیسم را به معنای قرض‌گیری زبان‌ها از انگلیسی تعریف کرده‌اند. تعاریف دیگری هم از انگلیسیسم وجود دارد که جنبه خاصی از قرض‌گیری از زبان انگلیسی را مورد توجه قرار داده‌اند. به عنوان مثال مرکز کارتو در دانشگاه اتاوا (کانادا)، انگلیسیسم را استفاده نادرست کلمات، عبارات، اصطلاحات، و ساختارهایی می‌داند که از زبان انگلیسی وارد زبان فرانسوی شده‌اند. از لحاظ زبانی، انگلیسیسم در زبان فرانسوی به شکل‌های مختلفی قابل مشاهده است.

۱. انگلیسیسم آوایی

در انگلیسیسم آوایی در واقع یک یا چند آوای سازنده واژه مورد نظر از زبان انگلیسی قرض گرفته می‌شود که در مواقعی به اشتباه در تلفظ می‌انجامد (کالپرو، ۱۹۷۰)؛ مانند واژه zoo که فرانسویان به جای تلفظ [zo] آن را با مصوت بلند [zu] ادا می‌کنند که خلاف قواعد آوایی زبان فرانسه است. یا مخفف واژه télévision که در زبان فرانسوی «télé» است، اما متأثر از زبان انگلیسی «tévé» تلفظ می‌شود.

1. Centre d'Aide à la Rédaction des Travaux Universitaires (CARTU)
2. phonetic anglicism/ l'anglicisme phonétique

۲. انگلیسیسم صرفی

در انگلیسیسم صرفی^۱ کلمات فرانسوی با قواعد صرفی زبان انگلیسی به کار می‌روند و به همان شکل نادرست در ساختار فرانسوی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال واژه *actif* که در زبان فرانسوی مفرد است، به تبعیت از واژه *active* در زبان انگلیسی به صورت جمع "*les actifs*" به کار برده می‌شود (کالپرو، ۱۹۷۰).

۳. انگلیسیسم واژگانی

انگلیسیسم واژگانی^۲ یا انگلیسیسم قاموسی، ناظر به قرض‌گیری کلمات و اصطلاحاتی از زبان انگلیسی است که معادل آنها در زبان فرانسوی وجود دارد. کلمات انگلیسی مانند *marketing*، *hockey*، *baby-boomer*، و...، که معادل آنها در زبان فرانسه وجود دارد اما در گفتار روزمره فرانسویان به وفور استفاده می‌شود. مثالی دیگر در جمله زیر ملاحظه می‌شود:

J'ai besoin de ce software pour transformer mes documents en PDF.

که در آن از معادل انگلیسی واژه «نرم‌افزار» به جای معادل فرانسوی، استفاده شده است:

J'ai besoin de ce logiciel pour transformer mes documents en PDF.

فرایند انگلیسیسم واژگانی ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. در قرض‌گیری مستقیم واژه اصیل انگلیسی وارد فرانسوی می‌شود؛ مانند *Yes* یا *Policeman*. در حالی که در قرض‌گیری غیرمستقیم، واژه قبلاً از زبان دیگری وارد زبان انگلیسی شده است و سپس از زبان انگلیسی به زبان فرانسوی راه می‌یابد به عنوان مثال واژه *Kangourou* که از یک زبان بومی استرالیایی وارد زبان انگلیسی و از آنجا وارد زبان فرانسه شده است (تورنیر، ۱۹۹۸: ۱۱).

۴. انگلیسیسم ساختاری یا نحوی

انگلیسیسم ساختاری^۳ یا انگلیسیسم نحوی^۴ به ترجمه تحت‌اللفظی یک اصطلاح یا عبارت انگلیسی به فرانسوی گفته می‌شود؛ درست مانند استفاده اصطلاحات حاصل از گرت‌برداری (کالپرو، ۱۹۷۰). این امر بیشتر در مورد حروف اضافه و افعال مصداق دارد. برای مثال استفاده از حرف اضافه *pour* در جملاتی که اصولاً در ساختار نحوی زبان فرانسوی به کار نمی‌رود. برای مثال جمله *Combien as-tu payé pour cela?* به تقلید از زبان انگلیسی در جمله *How much did you pay for that?* به کار می‌رود، در حالی که صورت صحیح آن در زبان فرانسوی چنین

است: *Combien as-tu payé cela?*

1. morphological anglicism/ l'anglicisme morphologique
2. lexical anglicism/ l'anglicisme lexical
3. structural anglicism/ anglicisme structurelle
4. syntactic anglicism/ l'anglicisme syntaxique



مثال دیگر اصطلاح زیر صفر در هواشناسی است که فرانسوی‌ها متأثر از زبان انگلیسی با حرف اضافه بیان می‌کنند. یعنی معادل **10° below** انگلیسی از حرف اضافه **sous** استفاده می‌کنند: **Il fait 10° sous zéro**. در حالی که جمله درست این‌طور است: **Il fait 10° au-dessous de zéro**.

همچنین می‌توان به استفاده از حرف تعریف در مورد شغل افراد اشاره کرد. در زبان فرانسه، مانند زبان فارسی، در بیان شغل یک پلیس گفته می‌شود: «او پلیس است»: **Il est policier**. اما در زبان انگلیسی می‌گویند: «او یک پلیس است»: **Il est un policier** در حال حاضر بعضی از فرانسویان به تقلید از زبان انگلیسی یک را وارد جمله خود می‌کنند.

۵. انگلیسیسم معنایی

منظور از انگلیسیسم معنایی^۱ یا همان دوستان دروغین^۲ آن دسته از کلمات فرانسوی است که تحت تأثیر زبان انگلیسی در معنایی دروغین ظاهر می‌شوند. مانند واژه **appointment** که به جای **rendez-vous** به کار می‌رود. یا جمله «**Je suis désolé**» که متأثر از جمله انگلیسی **I am sorry** به جای جمله صحیح «**excusez-moi**» به کار می‌رود (کالپرو، ۱۹۷۰). نمونه دیگر فعل **pratiquer** در زبان فرانسوی است که به اشتباه دقیقاً به معنای فعل **to practice** در زبان انگلیسی به کار می‌رود. در حالیکه فعل **pratiquer** در زبان فرانسوی به معنای عمل کردن و به جا آوردن اعمال مذهبی است. این استفاده نادرست به ویژه در ترجمه متون فرانسوی توسط مترجمان مبتدی مشکل‌ساز می‌شود. فعل صحیح و مورد استفاده در این‌گونه موارد در زبان فرانسوی، «**entraîner**» است.

۶. انگلیسیسم رسم الخطی^۳

در این نوع انگلیسیسم از رسم الخط خاص انگلوساکسون استفاده می‌شود (کالپرو، ۱۹۷۰). مانند استفاده از «” انگلیسی به جای گیومه «» فرانسوی، یا مواردی مانند مخفف نویسی که عناصر قرض گرفته شده، از قواعد زبان فرانسه تبعیت می‌کند؛ مانند: **pm, blvd., ave.**

واکنش‌ها و اقدامات

در حال حاضر اقدامات بسیاری برای رفع مشکل انگلیسیسم در کشور فرانسه و همچنین

1. Semantic Anglicism/l'anglicisme sémantique
2. Faux amies/Falsfriends
3. Graphical Anglicism/l'anglicisme graphique



ایالت فرانسوی زبان کبک کانادا انجام شده است. کبک با قانون ۱۰۱ (۱۹۷۷) و فرانسه با قانون توبون^۲ (۱۹۹۴) راهکارهای قانونی برای جلوگیری از شیوع و گسترش انگلیسیسم پیش‌بینی و وضع کرده‌اند.

قانون ۶۶۵ - ۹۴ (مصوب ۴ اوت ۱۹۹۴) توسط ژاک توبون وزیر فرهنگ فرانسه، که از مخالفان سرسخت فرانگلیش^۳ بود، پیشنهاد شد. این قانون استفاده از واژگان و اصطلاحات انگلیسی را که دارای معادل در زبان فرانسه هستند، ممنوع کرد. بر اساس این قانون رادیو و تلویزیون فرانسه موظف شد از ساعت ۶:۳۰ تا ۲۲:۳۰ حداقل ۴۰ درصد از آهنگ‌های خود را به خوانندگان فرانسوی زبان اختصاص دهد. همچنین مقرر کرد که کلیه مکاتبات رسمی کشور به زبان فرانسوی باشد. به موجب این قانون فهرستی از اصطلاحات زبان فرانسوی به منظور جایگزینی با واژگان قرضی انگلیسی تدوین شد که الزاماً باید در تمام رسانه‌های ارتباط جمعی، بروشورها، و در تمام متون حقوقی مانند قراردادها به عنوان ملاک زبانی مراعات شود. متخلفان از این قانون مشمول مجازات و جریمه شده‌اند. هرچند این قانون در موارد بسیاری چندان از سوی فرانسویان جدی گرفته نمی‌شود.

قانون ۱۰۱ در ایالت کبک کانادا نیز مقرر می‌کند که تنها زبان رسمی این ایالت زبان فرانسوی است. بر این اساس تمام متون حقوقی و رسمی باید به زبان فرانسوی نوشته شود. زبان کار در امور اداری و خدماتی باید زبان فرانسوی باشد و فرزندی که والدین فرانسوی دارند، باید در دوره قبل از دانشگاه به مدارس فرانسوی زبان بروند. اگرچه شهروندان کبک در اجرای این قانون، برای حمایت از زبان فرانسوی، بسیار جدی هستند، اما به نظر می‌رسد در فرانسه تمهیداتی از این دست چندان جدی گرفته نمی‌شود. به هر حال در فرانسه امروز استفاده از واژگان قرضی انگلیسی نوعی افتخار به حساب می‌آید و فرانسوی‌ها پافشاری کبکی‌ها را بیش از اندازه و افراطی تلقی می‌کنند (کوربی، ۱۹۷۷: ۸).

آکادمی فرانسه^۴ (فرهنگستان زبان فرانسه) نیز از مدعیان اصلی حراست از زبان فرانسوی است. این آکادمی، که در سال ۱۶۳۵ توسط کاردینال ریشلیو صدراعظم لویی سیزدهم تأسیس شد، یکی از نهادهای رسمی است که وظیفه حفظ و حمایت از زبان فرانسوی را بر عهده دارد.



1. Bill 101/ Loi 101
2. Toubon Law/ Loi Toubon
3. franglais
4. Académie française

این آکادمی با ایجاد بخشی با عنوان «چه بگوئیم و چه نگوئیم» و تهیه فهرستی از کلمات قرضی انگلیسی صراحتاً استفاده بسیاری از کلمات انگلیسی را ممنوع و کلمات فرانسوی جایگزین پیشنهاد می‌کند. در جدول شماره ۲ به چند مثال^۱ اشاره شده است.

جدول ۲: نمونه‌ای از پیشنهادهای اصلاحی آکادمی فرانسه

(به نقل از سایت آکادمی فرانسه)

عبارت انگلیسی مورد استفاده	عبارت پیشنهادی فرانسوی
No problem	Pas de souci
Software	Logiciel
E-mail	Courriel

رویه‌های در پیش گرفته شده از سوی آکادمی فرانسه و شورای عالی زبان فرانسه^۲ و اقداماتی از این دست، موافقان و مخالفانی نیز دارد. گروهی رویه اتخاذ شده را نوعی افراط‌گری تلقی می‌کنند، حال آن‌که گروهی هم عقیده دارند اقداماتی از این قبیل جزو وظایف اصلی این آکادمی و در راستای حمایت از زبان فرانسوی است. در کنار این آکادمی، نهادهای رسمی دیگری نیز در فرانسه هستند که در حوزه‌های مختلف (مانند اقتصاد و امور مالی) واژگان جدیدی به عنوان جایگزین معادل‌های انگلیسی معرفی می‌کنند (زانولا، ۲۰۰۸: ۹۳).

از اقدامات دیگر برای مقابله با شیوع این پدیده ایجاد سایت‌های بسیار متنوع برای دانشجویان و دانش‌آموزان فرانسوی و همین‌طور خارجیانی است که می‌خواهند زبان فرانسوی یاد بگیرند. در این سایت‌ها ستونی از کلماتی که محصول پدیده انگلیسیسم هستند همراه با معادل صحیح فرانسوی درج شده است. همچنین سایت‌هایی راه‌اندازی شده است که به ابهامات و سؤالات علاقه‌مندان به استفاده درست از زبان فرانسوی و اصلاح اشتباهات آنها کمک می‌کند. این سایت‌ها، با ارائه تمرین‌های مختلف و متنوع، زبان‌آموزان را به استفاده از معادل درست فرانسوی عادت می‌دهند.

نکته جالب در مطالعه حاضر این است که تعداد مؤسسات و سایت‌های آموزشی که توسط

۱. مثال هایی از این نوع در تمامی حوزه هایی مانند زندگی روزمره، مد، تبلیغات، ورزش و ... وجود دارد که به دلیل پرهیز از طولانی شدن مقاله از ذکر آنها پرهیز شده است.

2. Conseil supérieur de la langue française/ Superior Council of the French Language



کانادایی‌های ساکن ایالت فرانسوی‌زبان کبک برای جلوگیری از شیوع انگلیسیسم فعالیت می‌کنند، در مقایسه با نمونه‌های مشابه در کشور فرانسه بسیار زیاد و از لحاظ کیفیت عملکرد نیز بسیار جدی‌تر است.

اثرات متقابل زبان و فرهنگ

فرضیه نسبیت زبانی^۱ ساپیر- وورف^۲ از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در خصوص رابطه میان زبان و تفکر است. بر اساس این نظریه زبان هر کس بر شیوه تفکر و جهان‌بینی او تأثیر می‌گذارد، و از آن‌جا که هر زبان تصویر متفاوتی از واقعیات جهان خارج به دست می‌دهد، در نتیجه انسان جهان را همان‌گونه درک می‌کند که زبانش ترسیم کرده است (کریستال، ۱۹۹۲: ۳۴۲). این فرضیه توسط زبان‌شناسان بسیاری مطرح شد و توسط وورف به اوج رسید، تا جایی که او اعلام کرد: «طرز تفکر و رفتار مردم تماماً تابع زبان آنهاست». براساس این دیدگاه تفکر بدون زبان غیرممکن است. البته این نظریه منتقدان بسیاری نیز داشته است و ایرادات متعددی به آن وارد شده است. در نتیجه این انتقادات علمی و استدلال‌های متعدد در رد این نظریه، تغییراتی در آن داده شد که حاصل این تغییرات با عنوان نظریه تعدیل‌شده ساپیر- وورف معروف شد و براساس آن «شیوه نگاه ما به جهان تحت تأثیر زبان مورد استفاده ما قرار می‌گیرد».

این نظریه زبان را نه تنها راهی برای ارتباط، بلکه منبعی از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند. پژوهشگرانی مانند گورلاخ (۲۰۰۵: ۱۵) عقیده دارند که ترس اروپایی‌ها از شیوع انگلیسیسم عمدتاً از دلایل غیرزبانی ناشی می‌شود. زیرا کشورها بیش از آن‌که از تأثیر زبانی این پدیده نگران باشند، نگران فرایندی هستند که ممکن است منجر به تأثیرات نامطلوب فرهنگی و حتی اقتصادی شود.

در واقع آنها نگرانند که با نفوذ انگلیسیسم، عادات زبانی جدید فرانسوی‌زبانان را به سمت امریکایی شدن^۳ سوق دهد و شرایطی به وجود بیاورد که آنها به طور غیرمستقیم طوری ببینند و بشنوند و درک کنند که کاملاً منبعث از فرهنگ امریکایی است. این نگرانی تا اندازه‌ای بجاست؛ چرا که امروزه تقلید از الگوی امریکایی در رسانه‌های فرانسوی (اعم از تلویزیون، سینما، موسیقی، و...) مشهود است. این‌که در کشوری مانند فرانسه فیلم‌های امریکایی همواره بالاترین فروش را از آن خود کرده‌اند، نگرانی جدی به همراه دارد. تأثیر سینمای امریکا در



1. Linguistic relativity
2. Sapir-Whorf
3. americanization

فرانسه به قدری چشمگیر است که در حال حاضر بسیاری از گیشه‌های سینما در قبضه فیلم‌های هالیوودی است، در حالی که تا دهه ۱۹۸۰ سینمای فرانسه تمام سالن‌های سینما را در اختیار داشت. افزایش شمار بینندگان شبکه‌هایی مانند CNN و سریال‌های پرطرفداری مانند Grey's Anatomy, Desperates Housewives, How Did I Met Your Mother, Lost که همگی از سریال‌های معروف امریکایی هستند، از نگرانی‌های دیگر فرانسویان در خصوص نفوذ فرهنگ امریکایی در فرانسه است. بر اساس نظرسنجی‌های اعلام شده، امروزه بسیاری از سریال‌های پرطرفدار در فرانسه صددرصد امریکایی هستند.

نفوذ موسیقی امریکایی و استقبال جوانان از آهنگ‌های انگلیسی از دیگر موارد نگران‌کننده در کشور فرانسه است. نکته جالب این‌که بسیاری از خوانندگان جوان فرانسوی برای شرکت در انتخاب بهترین خوانندگان فرانسوی^۱، که از شبکه TF1 پخش می‌شود، ترجیح می‌دهند از ترانه‌های انگلیسی استفاده کنند و نکته جالب‌تر این‌که داوران مسابقه نیز برای قضاوت شرکت‌کنندگان باید از دانش انگلیسی لازم بهره‌مند باشند. حتی نام این برنامه پربیننده نیز به زبان انگلیسی است. برنامه‌ها و مسابقات تلویزیونی مانند Nouvelle star (از شبکه Direct 8) و همچنین مسابقه پرطرفدار انتخاب بهترین آشپز سال با عنوان Top chef و برنامه Nouveau look pour un nouvelle vie (از شبکه M6)، که سال‌هاست از کانال‌های پربیننده تلویزیون پخش می‌شوند، مثال‌های عینی دیگری از گرایش رسانه‌های فرانسوی به پدیده انگلیسیسم است. نفوذ انگلیسیسم را در حوزه‌های دیگری مانند بخش‌های اداری - خدماتی نیز می‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال این پدیده آن‌چنان در جامعه فرانسه رسوخ کرده است که در اوراق دسته چک «پست بانک فرانسه»^۲ که روزانه مورد استفاده میلیون‌ها فرانسویست، به جای M، که مخفف واژه «Monsieur» است، نشانه اختصاری «Mr»، که مخصوص زبان انگلیسیست، چاپ شده است.

از سویی دیگر سبک زندگی فرانسویان نیز، متأثر از نفوذ فرهنگ مهمان، دستخوش تغییر شده است. مدل لباس زنان فرانسوی، که زمانی در دنیا زبانزد بود، امروزه محدود به طبقه خاصی از اجتماع شده است و جوانان فرانسوی (ظاهراً از لحاظ به صرفه بودن و راحتی بیشتر) از الگوهای جوانان امریکایی تقلید می‌کنند. سریال‌های ادامه‌دار طولانی امریکایی چنان در زندگی روزمره فرانسویان جا باز کرده‌اند که حتی در نوع و سبک و عادات غذایی آنان نیز تأثیر

1. The voice (la plus belle voix)
2. Banque postal francaise



گذاشته است. اقبال بسیار زیاد جوانان فرانسوی به خوردن ساندویچ‌های مک‌دونالد شاهدهی بر این مدعاست. بی‌شک این نفوذ در حوزه اقتصادی نیز تبعاتی برای فرانسویان به دنبال داشته است و، به عنوان مثال مصرف کالاهای غیرفرانسوی، بازار ملی فرانسه را دچار مشکل ساخته و مانعی برای رشد اقتصاد ملی شده است.

در واقع استفاده افراطی و نابجا از زبان انگلیسی ست که نخبگان و اندیشمندان فرانسوی را دچار نگرانی کرده است. آنها پدیده انگلیسیسم را زمینه‌ساز نفوذ و استیلای فرهنگ امریکایی و در نتیجه سست شدن بنیان‌های فرهنگی فرانسه می‌دانند؛ اتفاقی که، به زعم آنان، از جمله باعث از دست رفتن منزلت زبان فرانسوی و در نتیجه تضعیف یکی از ارکان اصلی هویت ملی فرانسویان خواهد شد.

نتیجه‌گیری

زبان‌ها همواره بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. استعمار، تهاجم، قدرت، و همسایگی کشورها از یک طرف، و ظهور فرهنگ‌های جدید و عادات نو در کنار گسترش علوم و تکنولوژی‌های جدید از سوی دیگر، از جمله عواملی هستند که به تأثیرات یک زبان بر زبان دیگر سرعت می‌بخشند. از لحاظ ساخت درونی زبان، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرض‌گیری واژگانی بیش از دیگر قرض‌گیری‌ها (اعم از نحوی، ساختاری، و معنایی) بوده است. این نتیجه با نتایج دیگر پژوهش‌ها همسوست، چرا که در بررسی‌های زبان‌شناختی مشخص شده است که واژگان زبان دارای فهرست باز هستند و ورود و خروج عناصر جدید یا بیگانه با سهولت بیشتری در آن صورت می‌گیرد. در حالیکه عناصر دستوری زبان دارای فهرست بسته هستند و قرض‌گیری حاصل از برخورد زبان‌ها در این مؤلفه زبانی به دشواری رخ می‌دهد.

برنامه‌ریزان فرانسوی و کانادایی در واکنش به پدیده انگلیسیسم تلاش‌های گسترده‌ای کرده‌اند تا از شتاب و گسترش این پدیده جلوگیری کنند. آنها زبان فرانسه را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت ملی فرانسویان می‌دانند و ورود هرگونه خدشه‌ای به آن را جبران‌ناپذیر می‌دانند. به گفته مدرسی (۱۳۸۴: ۱۳۹) «در فرانسه مانند بسیاری از دیگر کشورها، زبان فرانسوی به وسیله نخبگانی گسترش یافت که در پاریس حول محور قدرت سیاسی و نظامی گرد آمده بودند. در قرن شانزدهم، زبان فرانسوی با انتخاب شدن به عنوان زبان حقوق و قضا، رقبای دیگر را کنار زد و با تأسیس فرهنگستان در قرن هفدهم، این زبان به ابزاری نیرومند



برای تمرکزگرایی^۱ سیاسی و یکسان‌سازی زبانی و فرهنگی تبدیل شد. از آن پس همواره زبان فرانسوی، چه در داخل و چه در مستعمرات، زبان رسمی، ملی، و آموزشی بود. چنین رویکردی توجه چندانی به زبان‌های اقلیت ندارد و شاید به همین دلیل است که فرانسه از معدود کشورهایی است که به گفته هاگن (۱۹۸۵: ۱۱) تاکنون در سرشماری‌های خود تعداد گویش‌وران زبان‌های رایج در کشور فرانسه را مطرح نکرده است.»

اگر بخواهیم رابطه امروزی زبان فرانسوی و انگلیسی را تبیین کنیم، باید بگوییم آنچه امروزه باعث قرض‌گیری زبان فرانسوی از انگلیسی شده است، یکی نیازهای درون‌زبانی حاصل از پیشرفت‌های علمی و فناوری امریکاست، و دیگری هژمونی فرهنگی امریکاست که باعث ارتقای جایگاه و منزلت زبان انگلیسی نسبت به فرانسوی شده است و افراد برای کسب وجهه و اعتبار بالاتر از آن استفاده می‌کنند. به گفته شقاقی (۱۳۷۸) گاه به دلایل اجتماعی و روان‌شناختی، گویش‌وران با آن‌که واژه بومی مناسبی برای مفهوم مورد نظر در اختیار دارند، برای کسب اعتبار اجتماعی استفاده از وام‌واژه را ترجیح می‌دهند.

در دهه‌های اخیر مطالعات متعددی درباره تأثیر منفی فرهنگ انگلو - امریکن^۲ بر دیگر کشورها و چشم‌انداز نگران‌کننده غلبه زبان انگلیسی بر دیگر زبان‌ها انجام شده است. به اعتقاد بسیاری گسترش چشمگیر زبان انگلیسی در کشورهای جهان، ناشی از شیوع فرهنگ انگلو - امریکن است. همان‌گونه که روبرت فیلیپسون (۱۹۹۲: ۷) در این زمینه می‌نویسد، افرادی هستند که انگلیسیسم را نشانه امپریالیسم زبانی^۳ و تهاجم زبانی انگلیسی^۴ تلقی می‌کنند. فیلیپسون در کتاب معروف خود با عنوان *امپریالیسم زبانی*، حاکمیت فرهنگی از طریق زبان را امپریالیسم زبانی می‌نامد که خود بخشی از پدیده‌ای بزرگتر به نام امپریالیسم فرهنگی است و شامل تمام مظاهر زندگی، از جمله سبک زندگی، سبک آموزش، و سبک موسیقی و... می‌شود. او اصطلاح امپریالیسم زبانی را متفاوت از حاکمیت زبانی^۵ می‌داند، چرا که حاکمیت زبانی ناشی از اجبار دولت است، در حالی که امپریالیسم زبانی اختیاری است و توسط افراد یک جامعه انتخاب می‌شود و مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ و این تهدیدی برای تنوع زبانی و فرهنگی است. نکته قابل توجه در استفاده از اصطلاح امپریالیسم زبانی این است که اگرچه اصطلاحی عام و قابل استفاده برای همه زبان‌هاست، ولی عموماً در مورد زبان انگلیسی به کار می‌رود.

1. Centralism
2. Anglo-American Cultur
3. Linguistic imperialism
4. English linguistic invasion
5. Domination linguistique



امریکایی شدن جهان، علاوه بر این که متأثر از صادرات کالاها و تجاری‌ست، می‌تواند متأثر از صادرات نامرئی کالاها و فرهنگی از جمله واژگان انگلیسی باشد. از این دیدگاه پدیده انگلیسیسم حاصل تلاش آگاهانه دولت‌ها و کارشناسان کشورهای انگلیسی‌زبان است که در قالب مفاهیم تجدد^۱ و جهانی شدن^۲ لاپوشانی می‌شود.

به نظر می‌رسد پدیده انگلیسیسم در کشوری مانند فرانسه یک وام‌گیری فرهنگی است که ظهور آن در زبان بسیار واضح‌تر و آشکارتر است. فرهنگ امریکایی (به معنای مجموعه‌ای از تولیدات، شیوه‌های زندگی، و ارزش‌ها) جایگاه مهمی در زندگی روزمره فرانسوی‌ها پیدا کرده است. در واقع پدیده انگلیسیسم به نوعی با پدیده امریکایی شدن گره خورده است. نفوذ زبانی اگرچه ممکن است با ایجاد قوانین و دستورالعمل‌های فرهنگستان‌ها تعدیل شود، اما نفوذ فرهنگی حاصل از آن به راحتی قابل تغییر نیست، زیرا در لایه‌های عمیق زندگی روزمره نفوذ می‌کند و به تدریج جایگزین فرهنگ قبلی می‌شود.

در واقع در فرانسه امروز ابتدا ورود فرهنگ قدرتمند مهمان بر عادات زبانی اهل زبان فرانسه تأثیر گذاشته است و سپس، همان‌طور که سایپر (۱۹۲۱) می‌گوید «ما آن‌طور می‌بینیم و می‌شنویم و ادراک می‌کنیم که عادات زبانی جامعه مهیا کرده است.» بنابراین زبان فرانسوی هم شکل‌دهنده محتوای فرهنگی زبان انگلیسی شده است و هم متأثر از آن.

هر تحولی که در جامعه رخ دهد، به نحوی در زبان مردم آن جامعه آثاری بر جای می‌گذارد و هر تحول زبانی زمینه لازم را برای تغییرات فرهنگی آماده می‌سازد. در نهایت می‌توان چنین گفت که زبان، هم شکل‌دهنده محتوای فرهنگی است و هم متأثر از آن. فرهنگ و زبان در تقابل پویای دوسویه هستند. فرهنگ زبان را متأثر می‌کند و متقابلاً زبان هم در جنبه‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارد.



1. Modernization
2. Globalization

منابع

- باطنی، م (۱۳۷۳)، *زبان و تفکر*. تهران: انتشارات آگاه
- زاهدی، ک (۱۳۸۸)، *زبان، تفکر و فرهنگ*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، صص ۱۷ - ۴۶.
- شقایق، و (۱۳۷۸)، *قیاس و واژه سازی، نخستین هم اندیشی مسائل واژه گزینی و اصطلاح شناسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- صفوی، ک (۱۳۷۴)، *واژه‌های قرضی در زبان فارسی*. نامه فرهنگ، شماره ۱۹، صص ۹۷-۱۱۱.
- مشکوه‌الدینی، م (۱۳۵۵)، *زبان‌شناسی اجتماعی*. نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۱۸، صص ۱۷۰-۱۸۱.
- مدرسی، ی (۱۳۶۳)، *برخی مسائل نظری در جامعه‌شناسی زبان*، مجله زبان‌شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۴۱ - ۵۱.
- مدرسی، ی (۱۳۸۴)، *پلورالیسم قومی - زبانی و هویت ملی*، فصلنامه انسان‌شناسی، سال چهارم، شماره ۷، صص ۱۲۹ - ۱۴۶.
- مدرسی، ی (۱۳۸۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، ی (۱۳۸۸)، *تحولات اجتماعی - سیاسی و زبان‌های ملی*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۶ - ۱.
- هال، ر (۱۳۷۳). *زبان و زبان‌شناسی*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- Anderman, G., & Rogers, M (2005), *English in Europe: For better, for worse?* In G. Anderman & M. Rogers Eds (pp. 1-26). Clevedon, England: Multilingual Matters
- Bogaards, P (2008), *on ne parle pas Franglais*. Brussels: De Boeck Duculot
- Britanica Concis Encyclopedia. <http://w.w.answers.com/tpoic/english-language> (accessed 12.02.2012)
- Charte de la langue Française du Québec available in [http://www.OQLF.gouv.qc.ca/charte/charte/27 juillet 20](http://www.OQLF.gouv.qc.ca/charte/charte/27_juillet_20)
- Colpron, G (1970), *Les anglicismes au Québec*. Répertoire classifié, Montréal : Beauchemin.
- Colpron, G (1982), *Dictionnaire des anglicismes*, Montréal, Beauchemin, 199 p.
- Corbeil, J (1980), *L'aménagement Linguistique du Québec*. Québec : Guérin, P 154
- Crystal, D (1992), *An Encyclopedic dictionary of language & languages*. Oxford: Blackwell
- Darbelnet, J (1983), *La norme lexicale et l'anglicisme au Québec*, dans BÉDARD, Édith et Jacques MAURIS (dir.), *La norme linguistique*, Paris et Québec, Le Robert et Conseil de la langue française du Québec, p. 603-624.
- Forest, C. & Boudreau, D (1999), *Dictionnaire des Anglicismle* Colpron. 4th ed. Montreal: Beauchemin



- Forest, J (2006), *Les Anglicism de la vie Quotidienne de Québécois*. Montreal: Triptyque
- Giraud, P (1971), *Les mots étrangers*, Paris : Presses universitaires de France
- Görlach, M (2005), *English Word Abroad*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company
- Laroche-Claire, Y (2004), *Evitez le Franglais, parlez Français?* Paris: Albin Michel
- Laurin, J (1975), *Corrigeons nos anglicismes*, préf. de Jean-Marie Laurence, Montréal, Les Éditions de l'Homme, 179 p.
- Lefebvre, H (1966), *Le Langage et la société*, Paris: Gallimard
- Nouveau Petit Robert (2001), *Dictionnaire alphabétique et analogique de la langue française*, version 2.1. le CD-ROM
- Pergnier, M (1989), *Les anglicismes. Danger ou enrichissement pour la langue française?*, Paris, Presses universitaires de France, 214 p
- Phillipson, R (1992), *Linguistic imperialism*. Oxford: Oxford University Press
- Sapier, E (1921), *An Introduction to the Study of Speech*. New York: Harcourt, Brace,
- Seidlhofer, B (2001), *Closing a conceptual gap: The case for a description of English as a lingua franca*. International Journal of Applied Linguistics, 11, 133-158
- Tornier, J (1998), *Les Mots Anglais du Français*. Paris : Belin
- Walter, H & Walter, G (1998), *Dictionnaire des mots d'origine étrangère*, Paris
- Zanola, M (2008), *les anglicismes et le français du xx^e siècle: la fin du français?* Synergies Italie. n° 4 - 2008 pp. 87-96. Milan : Université Catholique du Sacre-Cœur
- <http://www.academie-francaise.fr/dire-ne-pas-dire/neologismes-anglicismes>
- <http://www.sass.uottawa.ca/redaction/trousse/grammaire-anglicismes.pdf>
- http://en.wikipedia.org/wiki/Charter_of_the_French_Language

